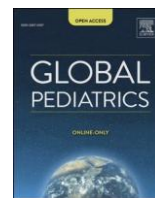


Contents lists available at [ScienceDirect](https://www.sciencedirect.com)

پزشکی جهانی کودکان
journal homepage: www.elsevier.com/locate/gped



جنگ تخلفات شدیدی را بر حقوق بنیادین انسانی کودکان تحمیل می‌کند

Pietro Ferrara^{a,b,c}, Ignazio Cammisa^d, Margherita Zona^d, Ida Giardino^e, Maria Pastore^f,
Massimo Pettoello-Mantovani^{c,f,*}

^a Department of Medicine and Surgery, Università Campus Bio-Medico, Roma, Italy

^b Operative Research Unit of Pediatrics, Fondazione Policlinico Universitario Campus Bio-Medico, Roma, Italy

^c European Pediatric Association, Union of National European Pediatric Societies and Associations, Berlin, Germany

^d Institute of Paediatric, Catholic University, Roma, Italy

^e Chair of Laboratory Medicine, Department of Clinical and Experimental Medicine, University of Foggia, Foggia, Italy

^f Residency Course in Pediatrics, Scientific Institute IRCCS, "Casa Sollievo", University of Foggia, Viale Pinto, 1 - Foggia, Foggia 71100, Italy

خلاصه

این مقاله به مسئله بحرانی خشونت علیه کودکان می‌پردازد که به عنوان نقض حقوق آن‌ها در تعاملات فردی، اجتماعی، جامعه‌ای و جامع‌ای و جهانی تعریف می‌شود و هر دو اقدامات فیزیکی و روانی (WHO) نسبت به آن‌ها یا والدینشان را دربر می‌گیرد. به طور جهانی، سازمان جهانی بهداشت تخمین می‌زند که تعداد قابل قبولی از کودکان در رده سنی 2 تا 17 سال، هر ساله با خشونت یا اهمال فیزیکی، جنسی یا روانی مواجه می‌شوند. جنگ به عنوان یک عامل اساسی در نقض حقوق بنیادین انسانی کودکان برجسته است. افراد در مناطق تحت تأثیر نبردها تجربیات تروماتیکی را تجربه می‌کنند، از جمله از دست دادن اعضای خانواده، قطع شدن از شبکه‌های اجتماعی، تخلیه و عدم تأمین نیازهای اساسی. کمبود شدید منابع و فرصت‌های ضروری، همراه با استرس جنگ، تهدید جدی‌ای برای توسعه عاطفی و شناختی کودکان ایجاد می‌کند و ریسک بروز بیماری‌های جسمی و روانی، ناتوانی‌ها، مشکلات اجتماعی و پیامدهای اجتماعی نسلی را افزایش می‌دهد. هدف این مقاله جلب توجه به این موضوع است و حمایت از توسعه دوره‌های آموزشی تحصیلی و پسا تحصیلی مناسب است. این اقدام به پزشکان کودکان و حرفه‌ایان بهداشت کمک خواهد کرد تا به بهترین شکل ممکن در هر زمینه از خشونت علیه کودکان مقابله کنند.

اطلاعات مقاله :

کلیدواژه‌ها: جنگ، قربانیان، مهاجم

مقدمه :

خشونت علیه کودکان، یک مسئله بحرانی جهانی است که به عنوان یک نقض حقوق آنها در تعاملات فردی، اجتماعی، جامعه‌ای و جهانی در سطح جهان تعریف می‌شود و هر دو اقدامات فیزیکی و روانی نسبت به آنها یا والدینشان را دربر می‌گیرد. به طور جهانی، تخمین می‌زند که تعداد قابل قبولی از کودکان در رده سنی ۲ تا ۱۷ سال، هر ساله با خشونت یا (WHO) سازمان جهانی بهداشت اهمال فیزیکی، جنسی یا روانی مواجه می‌شوند. جنگ به عنوان یک عامل اساسی در نقض حقوق بنیادین انسانی کودکان برجسته است. افراد در مناطق تحت تأثیر نبردها تجربیات تروماتیکی را تجربه می‌کنند، از جمله از دست دادن اعضای خانواده، قطع شدن از شبکه‌های اجتماعی، تخلیه و عدم تأمین نیازهای اساسی. کمبود شدید منابع و فرصت‌های ضروری، همراه با استرس جنگ، تهدید جدی‌ای برای توسعه عاطفی و شناختی کودکان ایجاد می‌کند و ریسک بروز بیماری‌های جسمی و روانی، ناتوانی‌ها، مشکلات اجتماعی و پیامدهای نسلی را افزایش می‌دهد. هدف این مقاله جلب توجه به این مسئله است و حمایت از توسعه دوره‌های آموزشی تحصیلی و پسا تحصیلی مناسب است. این اقدام به بهترین شکل ممکن به پزشکان کودکان و حرفه‌ایان بهداشت کمک خواهد کرد تا در هر زمینه‌ای از خشونت علیه کودکان به بهترین شکل ممکن مقابله نمایند.

کودکان، نه اعداد :

اگرچه تعداد کشورهای درگیر در منازعات مسلحانه در دهه‌های اخیر کاهش یافته است، اما تعداد کودکان در خط مقدم منازعات و تحت تأثیرات جنگ حدود ۷۵٪ افزایش یافته است، از ۲۰۰ میلیون در سال ۱۹۹۰ به ۴۲۶ میلیون در سال ۲۰۱۹ (۱/۵) رسیده است. شش نقض جدی را (UN) بنابراین، تقریباً یک پنجم از کودکان جهان تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. در سال ۲۰۰۵، سازمان ملل متحد شناسایی کرد: استخدام و استفاده از کودکان توسط طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه، کشتار و زخمی کردن آنها، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، ربودن، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها و مانع از دسترسی انسانی. از سال ۲۰۰۵ به بعد، سازمان ملل متحد ۲۵۰۰۰۰ مورد شکایت تاییدشده از نقض‌های جدی را ثبت کرده است، که تنها در سال ۲۰۲۰ تعداد ۲۵۰۰۰ مورد ثبت شده است. از این تعداد، نیمی توسط عوامل غیردولتی و یک سوم توسط دولت و نیروهای بین‌المللی انجام شده است. تقریباً ۸۰٪ از نقض‌های تاییدشده مرتبط با پسران هستند. با اینکه تعداد واقعی ممکن است حتی بیشتر از این تخمین شود، حوادث ثبت شده شگفت‌آور هستند. در طول ۱۰ سال گذشته، متوسط هر روز حدود ۲۵ کودک کشته یا زخمی شده‌اند، که جمعاً ۹۳۲۳۶ مورد است. در گزارش سال ۲۰۲۰ خود، سازمان ملل تأیید کرد که ۴۰۱۹ کودک کشته و ۶۱۵۴ کودک زخمی شده‌اند. تجاوز و خشونت جنسی نسبت به سایر نقض‌ها بیشتر تخمین زده می‌شوند به دلیل عار و دشواری نظارت و گزارش. با این حال، در سال ۲۰۱۹، ۷۴۹ مورد تأیید شد، که ۹۸٪ آنها مرتکب شده‌اند. در همان سال، سازمان ملل ربودن ۱۶۸۳ کودک را تأیید کرد، که بیش از ۹۵٪ موارد توسط عوامل غیردولتی صورت گرفته بود. کودکان برای استخدام و استفاده به عنوان سربازان، و همچنین برای خشونت جنسی یا افتر مورد ربوده شدند. انکار حقوق کودکان، مانند آموزش و سلامت، در سال‌های اخیر به طور چشمگیری تخلف کرده است. تنها در سال ۲۰۱۹، ۴۹۴ حمله به مدارس و ۴۳۳ حمله به بیمارستان‌ها تأیید شد. مدارس به عنوان مکان‌هایی برای استفاده نظامی مورد استفاده قرار گرفتند و کلاس‌ها به طور نامعین لغو یا به مدت هفته‌ها یا بیشتر تعطیل شدند. جنگ افزایشی‌ها را از خانه‌ها و کشورهایشان به ناحیه کشانده و باعث افزایش تعداد پناهندگان می‌شود. به گزارش مرکز نظارت جابه‌جایی داخلی، تعداد افراد داخلی به دلیل مناقشه و خشونت از حدود ۲۵ میلیون در سال ۲۰۰۹ به ۴۵،۷ میلیون در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت. میلیون‌ها کودک در داخل مناطق منازعاتی زندگی می‌کنند و تقریباً ۳۳٪ از آنها خارج از کشور محل تولدشان به عنوان پناهندگان زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۱۸، کودکان زیر ۱۸ سال بیش از نصف از ۲۶ میلیون پناهنده در سراسر جهان را تشکیل می‌دادند. در سطح جهان، تقریباً ۱۰۰۰۰۰ کودک بدون همراه یا جدا از خانواده‌های خود زندگی می‌کنند. تنها در سال ۲۰۱۵، حدود ۹۶۰۰۰ درخواست پناهندگی توسط کودکان بی‌همراه در اروپا ثبت شد. بهره‌برداری و قاچاق از خطرات مهمی است: از حدود ۹۰۰۰۰ نوجوان بی‌همراه که در سال ۲۰۱۵ درخواست پناهندگی دادند، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر گم شده‌اند.

برای کودکان لحظات خوشحالی وجود ندارد.

همانطور که سر ریچارد استیل در خاطرات کودکی‌اش که در سال ۱۷۰۹ در "تاتلر" منتشر شد، به زیبایی بیان کرده است. ذهن نوزاد شبیه به بدن در رحم است، تحت تأثیراتی چنان عمیق قرار می‌گیرد که همانند هر نشانی که یک کودک از زمان تولد خود دارد، ناپایدار نیستند. دوران کودکی در اصل باید یک دوره بی‌نگرانی باشد، پر از لحظات شاد و خاطرات گرانبها. متأسفانه، همه کودکان خوش‌شانس نیستند؛ در زمان جنگ، آن‌ها به قربانیان آسیب‌پذیر تبدیل می‌شوند که به وقایع تروماتیک معرض می‌شوند و بر روی سلامت جسمی و روحی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آسیب‌هایی که کودکان در مناطق متضرر از جنگ می‌بینند، تا زمانی که زندگی می‌کنند، با اثرات مستقیم و غیرمستقیم پابرجا می‌ماند. هرچند که همه کودکان و نوجوانان نشانه‌های معکوس را در پاسخ به تجربیات جنگ و اختلاف نشان نمی‌دهند، این نکته اهمیت تاریخچه تجربه فردی و تفسیرهای ذهنی از واقعه را برجسته می‌کند تا به دقت خطرات سلامت روانی را که جوانان در مناطق تحت تأثیر جنگ قرار دارند، شناسایی کنیم.

در مناطق جنگی، کودکان با مجموعه گسترده‌ای از آسیب‌ها و بیماری‌ها مواجه می‌شوند. آسیب‌های جسمی اصلی شامل آسیب‌های ارتوپدی، خلقی‌شکلی، سوختگی، آسیب مغزی تروماتیک و مرگ، اغلب ناشی از دستگاه‌های انفجاری مانند مین‌ها، پروژه‌های توپخانه، و بمب‌ها است. تحقیقات دیگر همچنین اثرات سلاح‌های شیمیایی یا زیستی را ثبت کرده‌اند. ناتوانی باقی‌مانده یک پیچیدگی مهم و کولرا به دلیل شرایط زندگی که شامل دسترسی محدود به B/E است. افزایش بیماری‌های حاد و عفونی مانند سل، حصبه، هپاتیت آب، بهداشت و واکسن‌ها، همچنین شلوعی و تلاقی با گروه‌های بزرگ افراد جابه‌جا شده در کمپ‌ها یا مکان‌های دیگر است، ثبت شده است. کمبود تغذیه جنگی یک جنبه مهم است، که بر رشد کودکان هم در رحم و هنگام کودکی اولیه تأثیر می‌گذارد، منجر به وزن کمتر در زمان تولد و کاهش قد برای سن آن‌ها در دوران نوجوانی.

عادت‌های ناسالم (استفاده از تنباکو، مصرف الکل، رژیم غذایی ناسالم، عدم انجام فعالیت‌های ورزشی)، آلودگی، کمبود آب تمیز، و بیماری‌های هم‌زمان مانند حصبه، تیفوئید، و کولرا، به ویژه در کودکان، به افزایش مرگ اضافی کمک می‌کنند. ۸. تأثیر اصلی جنگ بر کودکان عمدتاً مربوط به توسعه و رفاه روانی آن‌هاست. مشکلات در دوران کودکی می‌توانند ساختار مغز و عملکرد نورواندوکورینی را تغییر داده و به تغییرات در یادگیری، رفتار و فیزیولوژی منجر شوند. ۱۲ آموزش کودکان به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد، که منجر به افزایش نرخ کسب مهارت‌های زبانی به تأخیر افتاده، کاهش امتیازهای شاخص هوش، و کاهش موفقیت تحصیلی کلی می‌شود. این نقص‌های شناختی به طور دسته جمعی فرصت‌های بهداشتی و اجتماعی کلی کودکان تحت تأثیر را محدودتر می‌کنند. جنگ منجر به از دست دادن عزیزان، اختلال در ساختارهای خانوادگی سنتی و مسکونی ایمن، افزایش در معرض قرار گرفتن به تجربیات و خشونت‌های تروماتیک، اختلال در ساختارهای خانوادگی، و انحلال اجتماعی می‌شود، که به واکنش‌های روانی گسترده‌ای از پاسخ‌های ملایم و موقت تا مشکلات جدی منجر می‌شود. ۱۷ علاوه بر این، کودکان به خشونت جنسی، آزار و سوءاستفاده حساس هستند که همگی به مشکلات روانی در کودکان و نوجوانان منجر می‌شوند. ۱۷ واکنش‌های معمول به استرس شامل ترس‌های خاص، خشم، عدم امنیت، رفتار وابسته، گریه طولانی، عدم علاقه به محیط، و رفتارهای تهاجمی هستند.

کودکان پیش‌دبستانی که به ترومای خشونت‌آمیز معرض می‌شوند، اغلب در بازی و داستان‌سرایی نقش‌آفرینی از چنین تروماهایی را انجام می‌دهند که شامل موضوعات تاریک، محدودیت‌ها در بازی‌های فانتزی و انزوای اجتماعی است. در بزرگ‌ترها، انزوای اجتماعی و غیرانسانی‌سازی خودتحکیم‌کننده، به همراه هیجان جنگ و خشونت جنسی، احساسات معمولی در سربازان کودک هستند که به صورت مداوم به جثه‌های مرده و قربانیان شکننده معرض می‌شوند. مطالعات بی‌شماری بیشترین انتشار اختلالات روانی در میان کودکان (۲-۴ برابر بیشتر از تخمین‌های جهانی) در دوره جنگ و پس از آن نسبت به جمعیت عمومی را ثبت کرده‌اند، با تمرکز بر اختلال استرس پس از تروما، افسردگی، و اختلالات اضطراب. یک تجزیه و تحلیل فرامتن گزارش کرد که شیوع اختلال استرس پس از تروما را ۲۲٫۷٪، افسردگی را ۱۳٫۸٪ و اختلالات اضطراب را ۱۵٫۸٪ اعلام کرده است.

استراتژی‌های حمایتی

پزشکان کودکان نقش حیاتی در تلاش‌ها برای از بین بردن خشونت علیه کودکان با ارتقاء و اجرای سیاست‌هایی که از آن جلوگیری کرده و آسیب‌ها را در مناطق جنگی کاهش دهند، ایفا می‌کنند. امور ضروری اساسی، از جمله مسکن، بهداشت، غذا، آب، تحصیلات، بهداشت اولیه و حمایت از سلامت روانی باید تضمین شود و مناطق ایمن با رعایت حقوق کودکان برپا شوند. پروتکل‌های اخلاقی و

دسترسی به مراکز پزشکی امن با منابع لازم باید در مناطق جنگ‌زده تأسیس شوند، جایی که هدف اصلی حفاظت از کودکان است. دستیابی به این اهداف نیاز به همکاری میان متخصصان مختلف، از جمله آموزگاران، متخصصان حقوق بین‌الملل انسانی، و سازمان‌های دولتی و غیردولتی دارد.

نتیجه گیری

در لحظه تاریخی کنونی، بسیار حیاتی است که پزشکان کودکان و خانواده‌ها حمایتی از کودکان ارائه دهند و تأثیرات روانی احتمالی ذکر شده را کاهش دهند. پزشکان کودکان می‌توانند به طور قابل توجهی به تضمین این که کودکان آینده از فرصت‌های بهتری برای یک دوران کودکی عادی و غنی‌تر بهره‌مند شوند، کمک کنند. نقش آن‌ها حیاتی است، به خصوص در ترویج رفاه روانی و به دست آوردن رشد فردی کودکان در یک جامعه با قوانین خود. کودکان باید عشق و احترام به دیگران را پرورش دهند و درک کنند که دیگر نشانه یک محدودیت نیست بلکه یک گنج برای توسعه شخصی آنهاست. بنابراین، کودک امروز می‌تواند به یک فرد بهتر در فردا تحول یابد.